

منتقدان تیم هسته‌ای اصلاحات، خطرات آن مقطع را نمی‌بینند

هنوز هم مانند دوران «سخت‌گویی»، به‌گونه‌ای پاسخ سوالات را می‌دهد که نتوان از دل آن سوال دیگری طرح کرد!احتمالا این را در سال‌ها کار دیپلماتیک آموخته‌است که چگونه مانند سیاستمداران، «گرده» جواب دهد. حمیدرضا آصفی را با سخت‌گویی دستگاه دیپلماسی دولت اصلاحات می‌شناسند. او پیش‌تر و در سال‌های دوران جنگ نیز در قامت سفیر ایران، «دیپلمات ارشد» بود اما جلسات منظم و هفتگی او با اهالی رسانه آن هم در سال‌های دیپلماسی پرحرارت دوران اصلاحات و نیاز به موضع‌گیری‌های متناوب دیپلماتیک، وی را بیشتر به جامعه شناساناد. آصفی در دولت نهم، مدتی سفیر ایران در امارات متحدهعربی شد و پس از آن به‌عنوان کارشناس در وزارت خارجه فعالیت کرد. آصفی در گفت‌وگو با «شرق» به شرایط مذاکرات دوران اصلاحات و مشی تیم هسته‌ای در آن مقطع، پرداخت که در ادامه می‌آید.

✎ علنی‌شدن موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران، به مرداد ۸۱ و آن عکس ماهواره‌ی معروف بازمی‌گردد که البته با گزارش‌های سازمان مجاهدین خلق (منافقین) همزمان شد و ایران از مدیر کل آژانس درخواست کرد به ایران سفر کند. در آن مقطع، واکنش‌های ابتدایی در دستگاه دیپلماسی ایران نسبت به این اتفاق چه بود؟

همکاران در وزارت خارجه و دوستان دیگر از این مساله به‌شدت بکه خورده و به‌نوعی شوکه شدیم. طرف‌های غربی از ابتدای پیروزی انقلاب و در طول دوران جنگ و به‌ویژه در دوره سازندگی، همواره تلاش داشتند تا بهانه‌هایی را به‌عنوان مستمسک فشار بر ایران در اختیار بگیرند و ایران را تحت فشار قرار دهند اما این یک موضوع، کاملا متفاوت بود. در آن مقطع پس از بررسی‌های کارشناسی در دستگاه دیپلماسی، به همه نهادهای نظام اعلام شد که موضوع می‌تواند آغاز بحرانی وسیع باشد. البته شماری از مسوولان در نهادهای اعتقاد داشتند موضوع چندان جدی نیست و قابل مدیریت است و وزارت خارجه و مسوولان دیپلماسی و دولت اصلاحات، بی‌مورد نگران هستند و در برخی اظهارنظرها، بزرگنمایی هم می‌شود. به هر حال آنچه مربوط به ما بود در وزارت خارجه اطلاع‌رسانی و هشدارهای لازم داده شد.

✎ موافقتیه که اگر از ابتدا، مانند دورانی که پرونده به شورای امنیت ملی ارجاع شد عمل می‌شد، ابتکار عمل بیشتر داشتیم؟

بله می‌توانستیم بهتر مدیریت کنیم.

✎ گفته می‌شود به‌دلیل درگیرشدن ایالات‌متحده در جنگ عراق و البته گفت‌وگوهایی که پس از سفر البرادعی به تهران انجام شد، به طور موقت این مساله فروکش کرد. محورهای اصلی خواسته‌های البرادعی از ایران چه بود؟ البرادعی وقتی به تهران آمد درخواست داشت که نظنن را ببیند و البته برای او مشخص نشود که غنی‌سازی در چه سطحی در ایران صورت می‌گیرد. او پس از این سفر، گزارش جمهوری داشت که مبالغه‌آمیز بود. مدیر کل وقت آژانس هسته‌ای اعلام کرد ایران در حوزه انرژی هسته‌ای، برنامه وسیعی دارد و جزو ۱۰ کشور فعال در این زمینه است. در گزارش وی تاکید شد فعالیت‌های صورت‌گرفته در ایران که از چندین سال قبل شروع شده بود، خلاف پادمان هسته‌ای است. البته او از پیشرفت‌های ایران در اراک و اصفهان شگفت‌زده شد. از آن موقع فضای جهانی تشد شد.

✎ پیمای از سوی کشورهای غربی با ایالات‌متحده‌نداشت؟

در آن مقطع خیر. صرفا به‌دنبال بازیدی از تانسیسات غنی‌سازی ایران بود و دیداری هم با جناب آقای خاتمی داشت.

✎ در خرداد ۸۲، موضوع ایران در نشست فصلی شورای حکام مطرح شد و برای ایران ضرب‌الاجل تعیین شد. این امکان وجود نداشت که با دیپلماسی فعال تری، در یکسال فرصت پیش از مرداد ۸۱ تا خرداد ۸۲، فضای شورای حکام را مدیریت کرد؟

ما به اندازه وسیع و توان خود، این کار را کردیم. در آن مقطع، دکتر روحانی مسوولیت پرونده را بر عهده نداشت و معمولا مذاکراتی که صورت می‌گرفت از طریق سازمان اتمی انجام می‌شد. وزارت خارخه نیز به آن معنا در گیر نبود. پرونده به شورای امنیت اتمی و وزارت خارجه محول نشده بود. چون مساله هنوز خاد نبود سازمان از طرف نماینده خود در وین در سازمان انرژی اتمی، کارها را انجام می‌دهد و با آژانس در ارتباط بود. چون دکتر روحانی مسوولیت نداشت، طبیعی بود که کارها به آن معنا منسجم و منظم نبود. اتفاقاتی که در همان جلسه تعیین ضرب‌الاجل برای ایران افتاد باعث شد تا در کشورمان، مساله با جدیت بیشتری دنبال شود و به پیشنهاد وزارت خارجه و البته هماهنگی مسوولان نظام و نظر آقای خاتمی، مقرر شد دبیر شورای عالی امنیت ملی، مسوولیت پرونده را بر عهده بگیرد. در آن شرایط عوض شد.

✎ تا کی جلسه به نشانه اعتراض از سوی نماینده وقت ایران در آژانس (علی‌اکبر صالحی) پس از قطعنامه شورای حکام آژانس، سبب شد تا وی به تهران فراخوانده شده و نماینده دیگری جایگزین شود. با توجه به پیچیدگی‌های پرونده و پرزنگ‌تربودن بعد دیپلماتیک آن، بهتر نبود از همان ابتدای ماجرا، یک دیپلمات باتجربه، نماینده ایران در آژانس شود و متخصصان اتمی، به وی مشاوره می‌دادند؟

ابتدا نماینده ایران در آژانس را سازمان انرژی اتمی معرفی می‌کرد اما بعد موضوعاتی که پیش‌آمد سبب شد که با توافق طرفین، با دیپلمات وزارت خارجه باشد که مورد تایید سازمان انرژی اتمی کشورمان نیز هست یا از سازمان باشد اما با همکاری کارشناسان وزارت خارجه، کار را به پیش ببرد. انگلیسی‌ها مثلی دارند که وقتی اتفاقی رخ می‌دهد، بعد از واقعه باید تدبیر داشت. اینکه شما این انتقاد را مطرح می‌کنید که از ابتدا باید مساله جدی‌تر گرفته می‌شد، شاید امروز، وارد باشد اما بنظر من در آن مقطع، خیلی عجیب‌و غریب نبود. ۱۱ سال پیش، این مساله به آن معنا عمق نداشت و البته ما نیز تجربه درگیری دیپلماتیک در این سطح و با این دربرگیری را نداشتیم. اتفاقا این توان و پتانسیل دیپلمات‌های ما را نشان داد که با وجود نبودن موضوع و اینکه سلبقه مذاکره در این‌باره را نداشتیم، توانستیم به سرعت آن را مدیریت کنیم. اشاره کردم که وزارت خارجه پیشنهاد کرد در جایی پیرامون موضوع فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان تصمیم‌گیری شود که همه دستگاه‌ها حضور داشته و پاسخگو باشند. فضا با امروز کاملا متفاوت نبود. امروز پرونده در اختیار وزارت خارجه و آقای دکتر ظریف است. ۱۰سال پیش اگر وزارت خارجه متولی آن می‌شد، دستگاه‌ها خودشان را خیلی ملزم به پاسخ‌گویی نمی‌دیدند. البته من اعتقاد جدی دارم که آنها با حسن نیت، فکر می‌کردند خودشان بهتر می‌توانند مساله را مدیریت کنند. به همین دلیل تصمیم این شد که موضوع به شورای امنیت ملی برود و زیرنظر این شورا سامان یابد چراکه آقای خاتمی به‌طور رسمی‌جمهور، رئیس‌شورایودو پشتیبانی مقام‌معلم رهبری و جلساتی که در حضور ایشان برگزار می‌شد نیز به سرعت گرفتن روندها و اجرایی‌شدن تصمیمات، کمک جدی می‌کرد.

✎ مباحثاتی در آن مقطع میان ایران و تروییکای اروپایی به امضا رسید که آورده‌ها و چه سندهادهایی داشت؟ دستاوردها بیشتر بود یا امتیازاتی که از سوی ایران داده شد؟

قطعا کفه سندها سنگین‌تر بود. نمی‌توان امروز درباره آن روز قضاوت کرد. هدف دولت اصلاحات این بود که با توجه به حمله آمریکا به عراق و حضور این کشور در مرز ایران و همچنین مشنی ریداکل جورج بوش و نونمواظفله‌کاران، شرایط پرونده هسته‌ای ایران، حاد نشود. تلاش تیم مذاکره‌کننده این بود که مساله به شورای امنیت کشیده نشود و ما بتوانیم با «خرد زمان»، زنجیره‌های ناقص چرخه سوخت را کامل کنیم. ما این کارها را انجام دادیم پرونده به شورا برود و زنجیره سوخت را کامل کردیم. از نظر ما، لازم بود که این چرخه کامل شود

گفت‌وگو با حمیدرضا آصفی:

خطرات آن مقطع را نمی‌بینند



عکس: ایران

وزیر خارجه اروپایی به تهران بیایند و گویی ایران تحت فشار، تصمیم به اجرا گرفته‌است. در این مورد چه دیدگاهی دارید؟

حتما می‌شد روش‌های بهتری داشته باشیم خودخواهانه است که فکر کنیم ما بهترین اقدام را در آن دوره انجام دادیم و راه‌های بهتری نبود. آقای جک استراو وزیر خارجه وقت انگلیس در کنایش نوشته: «ما (سه کشور اروپایی) ۱ سپر ایران شدیم در مقابل حمله آمریکا» آنهاپی که از پیش‌دستی سخن می‌گویند حتما باید بدانند که ایران با چه شرایطی به‌ناگاه مواجه شد. بالاخره کارهای صورت گرفته بالای ۷۰درصد درست بود و حاصل خرد جمعی و استفاده از نظرات بهترین کارشناسان و مقامات ارشد نظام. پادمان باشد شرایط با امروز متفاوت بود. الان ۱۹هزار ساتنرفیوژ در حال کار است. ایران بزتری فناوری دارد. اقدام‌ها، زمینه‌سازی‌ها و زیرساخت‌هایی که در دوران سازندگی و اصلاحات و حتی دوران جنگ ایجاد شد، باعث شد در هشت‌سال گذشته شرایط بهتری ایجاد شود. چرا آمریکایی‌ها، امروز مقابل ما می‌نشینند و ناچارند با ایران صحبت کنند؟ چرا به قول رسانه‌های غربی، شش‌سنگین وزن را مقابل دکتر ظریف قرار می‌دهند تا شاید امتیاز بیشتری بگیرند؟ به هر حال در این هشت‌سال بیکار نبودیم. بنیان‌های فنی و تکنولوژیک را قوی کردیم. شاید عده‌ای بگویند تعلیق در آن مقطع کوتاه آنچنان مطلوب نبود اما اثرات آن را که می‌بینند نباید گفتمان کرد! ایستادگی دولت قبل، در کنار توان مذاکراتی دوستان ما در وزارت خارجه در دوره اخیر و گفتمان جذاب دکتر روحانی و حمایت‌های مقام‌مظهر رهبری، همه‌وهمه باعث موفقیت امروز شده‌است. بدترین کار در سیاست خارجی این است که همه توقیفات را به‌تنهایی مصاره کنیم. این اشکالی بود که به برخی دوستان در هشت‌سال اخیر داشتیم چرا که گویی انقلاب فقط در دوران آنها وجود داشت و متأسفانه کار تیمی‌های قبلی مذاکره‌کننده و دولت‌های قبل را نخفته می‌کردند.

✎ طرف‌های غربی در آن مقطع، برخی تعهداتی را به‌به ایران داده بودند رعایت نکردند و ایران در دولت اصلاحات، تعلیق غنی‌سازی اورانیوم را شکست. البته بعدها کشورهای شرقی، مانند هند و چین و روسیه نیز به تعامل دولت‌های نهم و دهم، روی خوش نشان نداده و چه در شورای امنیت و چه در آژانس، علیه ایران رای دادند. چرا با وجود روشن‌بودن ابعاد امنیت و چه توافقاتنامه، نمایه ایران از سوی طرف غربی تا کنون نمی‌شود؟

برای اینکه سیاست کنونی دنیا، اخلاق‌محور نیست. الان راحت‌تر می‌شود در این‌باره حرف زد. امروز موبایل خاتم مر کل نیز توسط سرویس‌های جاسوسی ایالات متحده شنود می‌شود. انگلیس از آلمان شنود می‌کند. اینها مناخه پیمان هستند و دور یک میز شام می‌خورند و می‌گویند از مصاحبت هم لذت می‌برند. رویای اروپای واحد را در خواب می‌بینند اما مدام به بدترین شیوه‌ها، می‌جه جاسوسی می‌کنند. رسوایی این فضاحت خیلی بالاست اما چون همه آنها مستبدشان آلوده است به روی هم نمی‌آورند. در این دنیا انتظار داریم آنها وفق موافقتنامه‌ها عمل کنند؟ الان توافق اولیه بین ایران و شش کشور صورت گرفته و متن منتشرشده، کاملا واضح است. پایداری ایران، حق غنی‌سازی را تثبیت کرده‌است. اما کنگره آمریکا بازی درمی‌آورد و وزیر خارجه این کشور هنوز از ژنو خارج نشده، می‌گوید ایران حق غنی‌سازی ندارد. چندین دور مذاکره فشرده صورت گرفته تا به آنها حقوق ایران بر سر اساسی حق غنی‌سازی بدهند؟ فکر نمی‌کنند خودخواهانه، این آرام‌تر است؟

✎ مدافعان دیپلماسی هسته‌ای دوران اصلاحات، معتقدند با توجه به فشار جهانی در مورد ابعاد پرونده هسته‌ای و منشأ آلودگی اورانیوم با غنی بالا و اینکه حتی امکان حمله پیشگیرانه به ایران وجود داشت، تعلیق و دیپلماسی تعامل، امری ناگزیر بود. در سوی مقابل، همچنان عده‌ای اصرار دارند که تعلیق غنی‌سازی، اقدامی منفعلانه بود. نظر شما چیست؟

اولا موضوعات سیاست خارجی را نباید سفید و سیاه کرد. در دیپلماسی، اگر شرایط برد-برد می‌خواهیم، حرکت در لایه‌های خاکستری هم گاه، امری ناگزیر است. منتقدان سیاست خارجی دو دسته هستند: یک دسته که با اغراض گروهی و حزبی به مساله نگاه می‌کنند و می‌دانست آنهاپی که اعتقادی و بر اساس تحلیل، تعلیق موقت و داوطلبانه غنی‌سازی در دوران اصلاحات را اشتباه می‌دانند. اینها قابل احترام هستند و باید با آنها سخن گفت و قانعشان کرد. دسته نخست را نمی‌توان قانع کرد چون اکثرا می‌دانند آن اتفاق برای مدت محدود در راستای اهدافی که اشاره کردم، امری اجتناب‌ناپذیر بود. باید اجازه داد گروه دوم، دیدگاه‌های خود را مطرح کند چون نیروهای طرفدار دموکراسی، علاقه‌مند به آ.رامش گورستانی نیستند. نباید از انتقاد ناراحت شد. رهبری معظم در ابتدای کار دولت دکتر روحانی، تاکتیک «زمش قهرمانه» را مطرح کردند. زمانی که موضوع قطعنامه ۵۹۸ مطرح شد، من سفیر بودم. وقتی امام آن را پذیرفتند و از تعبیر «جام زهر» استفاده کردند ما داشتیم دق می‌کردیم اما بعدا دیدیم چه بر کاتی به همراه داشتیم. نتیجه این بود که صدام را پس از یک دوره زندگی هفت بار، از یک چاه بیرون آوردند و اعدام کردند اما جمهوری اسلامی روز به روز قوی‌تر شده‌است. اگر قطعنامه را نمی‌پذیرفتم معلوم نبود چه اتفاقی رخ می‌داد؟ عراق با کمک غرب، سازمان ارتش خود را نوسازی کرده بود و می‌خواست همه شهرهای ما را با سلاح شیمیایی هدف قرار دهد. این هوشمندی امام بود که در آن مقطع، اینگونه تصمیم گرفتند در عرصه سیاست خارجی گاهی باید عقب رفت. این مانند قهرمان پرش طول است که برای آنکه بیشتر ببرد دو، سمتر عقب می‌رود تا بلندتر ببرد. ما با تعلیق موقت غنی‌سازی، زمان خریدیم و وقتی دیده شد که غرب حاضر نیست حقوق ایران را بپذیرد، رهبری دستور دادند که تعلیق شکسته شود.

✎ منتقدان دیپلماسی آن دوره بر این باورند حداقل در مورد اجرای پروتکل الحاقی، می‌شد با چانه‌زنی و امتیازگیری و پیشدستانه عمل کرد نه اینکه سه

سیاست

گزارش

پرونده هسته‌ای ایران در دوره علی لاریجانی چگونه پیش رفت زیر سایه اختلافات داخلی

طیبه میرحسینی

جمهوری‌اسلامی ایران از سال ۸۲ تاکنون، به‌دلیل آنچه‌غرب، شفاف‌نبودن برنامه هسته‌ای ایران می‌خواند، تلاش کرده از طریق تعامل و مذاکره، ضمن حفظ حقوق هسته‌ای خود برای رفع سوءتفاهمات به‌وجودآمده قدم بردارد. در مدت این ۱۰سال، ایران بر اساس سیاست‌های کلان خود، فرازوفرودهایی را در مذاکرات و فعالیت‌های هسته‌ای خود داشته‌است و افراد و تیم‌های مذاکره‌کننده مختلفی در این مسیر، عهدهدار مسوولیت بر سر میز مذاکره نشستن با طرف مقابل بودند. علی لاریجانی که به‌تازگی، ماموریت ۱۰ساله‌اش در صداوسیما پایان یافته بود، بعد از حسن روحانی دومین فردی بود که مسوولیت این کار را برعهده گرفت.

پس از مشخص‌شدن نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری نهم و روی کارآمدن محموداحمدی‌نژاد، یکی از تغییرات ایجادشده، مسوولیت‌دبیری شورایعالی امنیت ملی بود که چند روز پس از تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد صورت گرفت. در مراسم تودیع و معارفه، علی لاریجانی به‌جای حسن روحانی، دبیر شورایعالی امنیت ملی و هدایت‌کننده مذاکرات شد. او که رقیب احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۸۴ به‌شمار می‌رفت، دو روز بعد از انتخابات در نخستین دیدار دیپلماتیک رئیس دولت نهم، در کنار وی دیده شده بود. این مساله احتمال اینکه وی قراز است وزیر امور خارجه شود را تشدید کرد اما دبیری شورایعالی امنیت ملی، زمانی به او پیشنهاد شد که حسن روحانی پس از دیدار با احمدی‌نژاد، اعلام کرده بود مستقیم مذاکره با تیم روحانی، وزرای خارجه بریتانیا، فرانسه و آلمان، رئیس‌جمهور فرانسه و صدراعظم آلمان بودند. در این دوره سیاست اصلی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، همکاری با اروپا و جلب اعتماد جامعه جهانی با سیاست تنش‌زدایی و دورکردن پرونده هسته‌ای ایران از شورای امنیت سازمان ملل بود. در این دوره دو توافق مهم صورت گرفت، یکی توافق سعداباد تهران در ۲۹مهر ۱۳۸۲ و دیگری توافق پاریس در ۲۵آبان ۱۳۸۲. در توافق تهران، پروتکل الحاقی معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی از سوی دولت ایران پذیرفته شد و به اجرای داوطلبانه آن پیش از تصویب مجلس اقدام کرد. آغاز بازرسی‌های گسترده از تاسیسات اتمی، تعلیق داوطلبانه گازدهی به ساتنرفیوژهای مرکز غنی‌سازی اورانیوم نظن از دیگر توافقات‌ها در سعداباد تهران بود. همچنین در پاریس توافق شد دامنه تعلیق به همه فعالیت‌های ایران گسترش یابد. در مقابل سه کشور اروپایی توافق کردند از ارسال پرونده اتمی ایران به شورای امنیت جلوگیری کنند و قول دادند در صورت ارسال پرونده به شورای امنیت از حق و برای جلوگیری از این کار استفاده کنند. همچنین طرف‌های اروپایی اعلام آمادگی کردند تا درخواست ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی حمایت کنند و مقدمات مذاکره برای همکاری جامعه ایران و اتحادیه اروپا در زمینه‌های اقتصاد، سیاسی-امنیتی و فناوری آماده کنند. در نتیجه این دور مذاکره، ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت متغنی شد و احتمال خطر حمله نظامی به ایران کاهش یافت که از نتایج مهم اری‌زنی‌های روحانی در آن روزها بود. حسن روحانی ۶۷۸ روز سرتیم مذاکره‌کننده با غرب بود. او از برداشت‌شدن تعلیق بیش از رسیدن به نتایج مورنظر و بدقولی اروپا در ارایه پیشنهاد نهایی به ایران ناراضی بود. این مساله باعث شد در آخرین روزهای عمر دولت خاتمی تعلیق فعالیت هسته‌ای تاسیسات اتمی ایران لغو شود.

✎ چنانچه تعلیق فعالیت هسته‌ای تاسیسات اتمی ایران لغو شود، لاریجانی سیاست نگاه به شرق

علی لاریجانی از ۲۵مرداد ۱۳۸۴ تا ۲۸مهر ۱۳۸۶ به‌مدت ۲۶ماه در دولت محمود احمدی‌نژاد مذاکره‌کننده ارشد ایران در امور هسته‌ای بود. در ماه‌های ابتدایی این دور از مذاکرات، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، وزرای خارجه سه کشور فرانسه، آلمان و بریتانیا طرف‌های مستقیم مذاکره بودند و در ادامه دبیر شورایعالی امنیت روسیه و وزیر خارجه چین هم به مذاکرات اضافه‌شد. لاریجانی و تیم او (تغییر کار رهبری از اروپا به آسیا، راه‌های خود قرار داد و سیاست نگاه به شرق) با هدف نزدیکی به چین و روسیه، دو عضو دائم شورای امنیت را دنبال می‌کرد. توافقاتی که در این دوره حاصل شد تنظیم جدول زمانی برای پاسخ به پرسش‌های آژانس بود تا تردیدهای آژانس طی یک دوره زمانی مشخص پاسخ داده شود. ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت بین تحقیقاتی هسته‌ای‌نظرنظرانیز فک پلمب کرد.

اولین تحریم

اتحادیه اروپا پس از آنکه تهران به خواسته شورای امنیت برای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم پیش از نهم شهریور تن نداد، تصمیم گرفت بر حق دور مذاکره تازه با مقامات ایران به گفت‌وگو بنشیند. مذاکرات مربوط به پرونده هسته‌ای ایران با حضور دو طرف در ۲۰تیر ۱۳۸۵ (۱۱جولای ۲۰۰۶) پیگیری شد، اما نتیجه‌ای برای دو طرف نداشت. از دیوگر، سه هم‌زمانی این گفت‌وگوها به بهره‌برداری از مجتمعی آب‌سنگین اراک باعث شد شورای امنیت سازمان ملل، پرونده ایران را که از آژانس اتمی دریافت کرده بود، بررسی کرده و به اتفاق آرا، قطعنامه۱۶۹۶ را علیه ایران تصویب کند.

ادامه در صفحه ۱۴

درپچه

یک دهه با مذاکره‌کنندگان هسته‌ای که گرایش‌های مختلف داشتند تیم ۴ نگاه



این‌روزها نام ایران بیش از هر کشور دیگری در رسانه‌های خبری جهان مطرح‌است، آن‌هم به‌خاطر مذاکرات هسته‌ای با کشور‌های ۱۱۵ که در ژنو جریان داشت. داستان این مذاکرات به زمستان ۱۳۷۹ برمی‌گردد. هنوز چندی از حملات تروریستی به برج‌های دوقلو سازمان تجارت جهانی در «منهتن» نیویورک (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ - نگذشته بود که شاخه‌ای از گروه‌ک منافقین در آگوست ۲۰۰۲ به انتشار گزارشی اقدام کرد که در آن از وجود تاسیسات غنی‌سازی نطنز و آب‌سنگین اراک سخن به میان آورده بود. با انتشار این گزارش رسانه‌های اروپایی و آمریکایی توجه افکار عمومی غرب را به تجهیزات هسته‌ای ایران جلب کردند. در پی آن از یک‌سوی جورج بوش پدر، ایران را به همراه کره‌شمالی و سوریه در محور شرارت قرار داد و از سوی دیگر کشورهای غربی قطعنامه شدیدی علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان صادر و ایران را به ارسال پرونده اتمی‌اش به شورای امنیت تهدید کردند. بافاصله کار گروه رسیدگی به این موضوع در ایران تشکیل شد و اولین تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای به ریاست حسن روحانی، دبیر وقت شورایعالی امنیت ملی، از سوی سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران، مامور رسیدگی به امور دیپلماتیک و حل پرونده هسته‌ای شد. از آن روز تاکنون ۱۰سال می‌گذرد و چهار تیم مذاکره‌کننده درگیر این موضوع بوده‌اند. این نوشته بر آن است که عملکرد چهار مذاکره‌کننده هسته‌ای (حسن روحانی، علی لاریجانی، سعید جلیلی و محمدجواد ظریف) را مقایسه کند و به بررسی رویکردها و نتایج چهار تیم مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران بپردازد.

روحانی: سیاست تنش‌زدایی

حسن روحانی از ۱۴مهر ۱۳۸۲ تا ۲۴مرداد ۱۳۸۴ به مدت ۲۳ماه از سوی سیدمحمد خاتمی، مسوول مذاکره برای حل پرونده هسته‌ای ایران بود. روحانی و تیم او متشکل از دیپلمات‌هایی بودند که ولایتی و خرازی آنان را به‌عنوان بهترین‌های وزارت امور خارجه معرفی کرده بودند. آن روزها به‌دلیل شرایط سیاسی - امنیتی و تبلیغاتی که علیه ایران حاکم بود، تیم روحانی تاکتیک خود را بر گفت‌وگو و اعتمادسازی استوار کرد. به این‌صورت که در کام اول او از گسترده‌شدن اتهامات و مجموعه مسائلی که علیه ایران مطرح بود، معانیت کردند تا از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل جلوگیری شود. از این‌رو در مسیر اعتمادسازی، در چند مقطع، برخی فعالیت‌های هسته‌ای ایران به صورت داوطلبانه تعلیق شد. ایران هم‌زمان با اعتمادسازی، تثبیت حقوق ایران، کاستن فشارهای بین‌المللی، ایجاد شفاف در غربی‌ها و ورود‌شدن از ارجاع پرونده به شورای امنیت توانست چرخه موقت خود را تکمیل کند و به پیشرفت‌های قابل‌توجهی دست برد. طرف‌های مستقیم مذاکره با تیم روحانی، وزرای خارجه بریتانیا، فرانسه و آلمان، رئیس‌جمهور فرانسه و صدراعظم آلمان بودند. در این دوره سیاست اصلی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، همکاری با اروپا و جلب اعتماد جامعه جهانی با سیاست تنش‌زدایی و دورکردن پرونده هسته‌ای ایران از شورای امنیت سازمان ملل بود. در این دوره دو توافق مهم صورت گرفت، یکی توافق سعداباد تهران در ۲۹مهر ۱۳۸۲ و دیگری توافق پاریس در ۲۵آبان ۱۳۸۲. در توافق تهران، پروتکل الحاقی معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی از سوی دولت ایران پذیرفته شد و به اجرای داوطلبانه آن پیش از تصویب مجلس اقدام کرد. آغاز بازرسی‌های گسترده از تاسیسات اتمی، تعلیق داوطلبانه گازدهی به ساتنرفیوژهای مرکز غنی‌سازی اورانیوم نظن از دیگر توافقات‌ها در سعداباد تهران بود. همچنین در پاریس توافق شد دامنه تعلیق به همه فعالیت‌های ایران گسترش یابد. در مقابل سه کشور اروپایی توافق کردند از ارسال پرونده اتمی ایران به شورای امنیت جلوگیری کنند و قول دادند در صورت ارسال پرونده به شورای امنیت از حق و برای جلوگیری از این کار استفاده کنند. همچنین طرف‌های اروپایی اعلام آمادگی کردند تا درخواست ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی حمایت کنند و مقدمات مذاکره برای همکاری جامعه ایران و اتحادیه اروپا در زمینه‌های اقتصاد، سیاسی-امنیتی و فناوری آماده کنند. در نتیجه این دور مذاکره، ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت متغنی شد و احتمال خطر حمله نظامی به ایران کاهش یافت که از نتایج مهم اری‌زنی‌های روحانی در آن روزها بود. حسن روحانی ۶۷۸ روز سرتیم مذاکره‌کننده با غرب بود. او از برداشت‌شدن تعلیق بیش از رسیدن به نتایج مورنظر و بدقولی اروپا در ارایه پیشنهاد نهایی به ایران ناراضی بود. این مساله باعث شد در آخرین روزهای عمر دولت خاتمی تعلیق فعالیت هسته‌ای تاسیسات اتمی ایران لغو شود.

✎ چنانچه تعلیق فعالیت هسته‌ای تاسیسات اتمی ایران لغو شود، لاریجانی سیاست نگاه به شرق

علی لاریجانی از ۲۵مرداد ۱۳۸۴ تا ۲۸مهر ۱۳۸۶ به‌مدت ۲۶ماه در دولت محمود احمدی‌نژاد مذاکره‌کننده ارشد ایران در امور هسته‌ای بود. در ماه‌های ابتدایی این دور از مذاکرات، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، وزرای خارجه سه کشور فرانسه، آلمان و بریتانیا طرف‌های مستقیم مذاکره بودند و در ادامه دبیر شورایعالی امنیت روسیه و وزیر خارجه چین هم به مذاکرات اضافه‌شد. لاریجانی و تیم او (تغییر کار رهبری از اروپا به آسیا، راه‌های خود قرار داد و سیاست نگاه به شرق) با هدف نزدیکی به چین و روسیه، دو عضو دائم شورای امنیت را دنبال می‌کرد. توافقاتی که در این دوره حاصل شد تنظیم جدول زمانی برای پاسخ به پرسش‌های آژانس بود تا تردیدهای آژانس طی یک دوره زمانی مشخص پاسخ داده شود. ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت بین تحقیقاتی هسته‌ای‌نظرنظرانیز فک پلمب کرد.

اولین تحریم

اتحادیه اروپا پس از آنکه تهران به خواسته شورای امنیت برای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم پیش از نهم شهریور تن نداد، تصمیم گرفت بر حق دور مذاکره تازه با مقامات ایران به گفت‌وگو بنشیند. مذاکرات مربوط به پرونده هسته‌ای ایران با حضور دو طرف در ۲۰تیر ۱۳۸۵ (۱۱جولای ۲۰۰۶) پیگیری شد، اما نتیجه‌ای برای دو طرف نداشت. از دیوگر، سه هم‌زمانی این گفت‌وگوها به بهره‌برداری از مجتمعی آب‌سنگین اراک باعث شد شورای امنیت سازمان ملل، پرونده ایران را که از آژانس اتمی دریافت کرده بود، بررسی کرده و به اتفاق آرا، قطعنامه۱۶۹۶ را علیه ایران تصویب کند.

ادامه در صفحه ۱۴